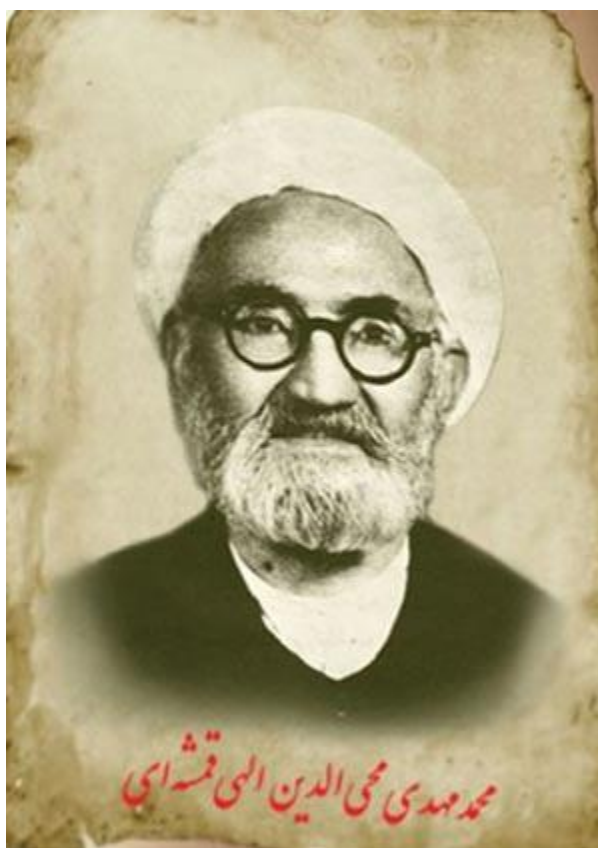


زندگی نامه دکتر مهدی الهی قمشه ای

رؤیای ولادت

مرحوم حاج عبدالحمید، مردی بزرگوار، با ایمان و عالم و نیز از ثروتمندان و نیکوکاران شهرضا بود که خدمات فراوانش، در جای جای شهر به چشم می خورد. او شبی در خواب دید که ملامحمد مهدی، از عالمان بزرگ آن زمان که چندی پیش رحلت نموده بود، سوار بر هودجی از آسمان فرود آمد و به اتاق ایشان وارد شد و از آن جا که پسرش مُلاً ابوالحسن در انتظار مولودی تازه بود، ولادت آن نوزاد را تعبیری بر خواب خود دانست و سفارش نمود که او را محمدمهدی نام بگذارید که از عالمان بزرگ خواهد شد. حضور پربار استاد مهدی الهی قمشه ای، تعبیری روشن از آن خواب بود.



ولادت

در سال ۱۳۱۹ هجری قمری، در شهر حکیم پرور قمشه (شهرضا فعلی) از توابع اصفهان، در خانه ای سرشار از نور ایمان و علم و معرفت، فرزندی دیده به جهان گشود که او را «محمدمهدی» نام نهادند. نیاکان او، از سادات بحرین و از بزرگان و حافظان قرآن بودند. پدرش ملا ابوالحسن، عالمی بیدار دل و زاهد و با تقوا بود. زهد و تقوای پدر و جهد و تلاش او، در راه علم آموزی این فرزند به بار نشست. بعدها، میرزا محمدمهدی الهی قمشه ای، عالمی بزرگ، عارفی الهی و مفسری آگاه شد که هنوز هم، زینت عالم علم و تقوا به شمار می آید.

هجرت برای آموختن

استاد مهدی الهی قمشه ای از پنج سالگی آموختن آغاز کرد و در پانزده سالگی، بر ادبیات عرب تسلط کامل یافت. او همراه با تحصیل، به کار و تلاش برای کسب معاش نیز می پرداخت؛ هرچند پس از مدتی، به توصیه پدر دست از کار کشید و تمام هم خود را در راه آموختن علوم اسلامی به کار گماشت. او در چهارده سالگی، به اصفهان و سپس از آن جا به مشهد هجرت نمود. در این هجرت خداجویانه، او از محضر استادان بسیاری بهره برد و روز به روز بر دامنه علم و آگاهی خود افزود.

زهد و قناعت

دوران تحصیل استاد مهدی الهی قمشه ای در مشهد، دوران بسیار سختی بود. دوری از دیار از یک سو و کمی درآمد و سختی تأمین معاش از سوی دیگر، زندگی را بامشقت بسیار همراه کرده بود. البته قناعت، زهد و ریاضت بسیار، به او این توان را می داد که لحظه ای از فراگیری علوم و تأمل در مسایل الهی دست نکشد؛ آن گونه که بوستان دانایی اش رابه گل های ناب و فراوان زینت بخشید و به عطر خوش علوم الهی معطر نمود.

رؤیای دیدار

استاد مهدی الهی قمشه ای، پس از تحصیل در شهرهای قمشه، اصفهان و مشهد، در آرزوی دیدار با استادان بزرگ قم و نجف، باز هم تن به رنج هجرت سپرد و پای در سفر نهاد و در میانه راه، به تهران وارد شد. **در تهران با عالم مبارز، شهید سیدحسین مدرس ملاقات نموده و با او مؤانستی بسیار نزدیک یافت و پس از تبعید آن بزرگوار به جای آن استاد شهید به تدریس مشغول گشت.** این داستان، تعبیری بر رؤیایی صادق بود. سال ها پیش در مشهد، استاد الهی در خواب دیده بود که شهید مدرس کتابی به او داده و می خواهد که گاه تبعید، آن را به جای ایشان تدریس کند. اینک در تهران و با تبعید آن شهید بزرگ، استاد به یاد آن رؤیای صادق، در سنگر او به تدریس نشسته بود.

استاد برجسته

سال ها بود که استاد مهدی الهی قمشه ای، در مدرسه سپهسالار - مدرسه عالی شهید مطهری - که محفل ادیبان و حکیمان و دانشکده معقول و منقول بود، به تدریس منطق و ادبیات و حکمت می پرداخت. در همان زمان، آن بزرگوار که از برجسته ترین استادان دانشگاه به شمار می رفت، با نوشتن کتاب توحید هوشمندان به درجه دکترا از آن دانشکده نائل شد. او پس از ۳۵ سال تدریس علوم معقول و منقول در دانشگاه، بازنشسته شد و پس از آن، منزل آن بزرگوار، کانون ادیبان و حکیمان به شمار می آمد.

مروریدهای درخشان

استاد مهدی الهی قمشه ای، تا آخرین دقایق حیات پربار خود، به تدریس و تألیف پرداخت و کتاب های گران قدر بسیاری از آن عزیز به جا مانده است؛ مروریدهایی درخشان که آن بزرگوار از ژرفای افیانوس دانایی برون کشیده و به ساحل نشینان سپرده است. کتاب هایی چون کتاب حکمت الهی در شرح فصوص الحکم فارابی، توحید هوشمندان، مشاهدات العارفین و ترجمه هایی از قرآن کریم، صحیفه سجادیه و مفاتیح الجنان، و نیز دیوان شعری شامل قصاید و غزلیات عرفانی و نیز اشعاری در باب حماسه عاشورا که چون نسیمی لطیف، طبع خواننده را می نوازد.

ترجمه کتاب آسمانی

ترجمه معروف استاد الهی قمشه ای از قرآن مجید، نخستین ترجمه روان و سلیس قرآن کریم به زبان فارسی است. تا آن زمان، ترجمه ها به صورت تحت اللفظی و کلمه به کلمه بود. استاد برخلاف عادت گذشتگان، ترجمه روانی از آیات الهی را ارائه نمود، بدون آن که در اصل معنا تغییری صورت گیرد. ترجمه استاد الهی قمشه ای از کتاب آسمانی قرآن، اینک سال هاست که در دست شیفتگان قرآن است و آنان را، قطره قطره از زلال معانی ناب آیات الهی می چشاند.

ساده زیستی استاد

با آن که خاندان علامه سیدمهدی الهی قمشه ای، از ثروتمندان و بزرگان شهر به شمار می رفتند، ولی استاد، زندگی ای ساده و بی آلایش، و به دور از همه ظواهر زیننده دنیایی برای خود برگزید. او از رفاه و تجملات دنیایی بسیار دوری می جست، به طوری که زندگی آن بزرگوار در دوران تحصیل در مشهد، به سختی گذشت. یکی از شاگردان آن بزرگ درباره او چنین می گوید: «کلا یک روحیه بی نیازی و استغنا و دوری از تعلقات مادی در ایشان وجود داشت که انسان هر وقت به منزلش وارد می شد، تمام تعلقات دنیوی را فراموش می کرد.»

حسرت دل ها

استاد علامه مهدی الهی قمشه ای، پس از عمری تلاش در عالم علم و تقدیم گوهرهایی ناب به دوستداران دانش و شیفتگان معارف اسلامی، در سال ۱۳۵۲ شمسی به سوی دوست پرگشود، آن چه از او برجای ماند، حسرتی بود بر دل دوستانی که او را می شناختند و خاطراتی که هر لحظه اش، درسی بود. نیز کتاب هایی که سطر به سطرش، دل ها را معطر می ساخت و شاگردانی که ثمره محضر مبارک او بودند. رحمت خدا بر آن بنده پاک و خالص.

دوری از لغویات

آیت الله محمد مهدی الهی قمشه ای، محضری پربار داشت و بسیاری از اساتید از حضورش فیض می بردند. استاد حسن حسن زاده آملی - که خود از بزرگان عالم علم است - ضمن زندگی نامه ای که از آن بزرگ ارائه می کند، درباره ایشان چنین می فرماید: «سبحان الله از اول تا آخر کلیات دیوانش و در همه تألیفاتش یک کلمه لغو نمی یابی. دیوانش از فاتحه تا خاتمه شور و نوا و سوز و گداز است. خدا گواه است که محضرش نیز هم چنین بود. بیش از ده سال با او حشر داشتم. یک کلمه ناروا و یک حرف ناسزا و یک جمله بیهوده از او نشنیدم. چه گریه ها و زاری ها از او دیدم و چه اندرزاها از او به یادگار دارم و چه خاطرات و چه حالات و چه و چه...»